

مردی تعداد زیادی میوه نارگیل را بار اسبش کرد و برای فروش به سوی شهر به راه افتاد.
در مسیر خود به کودکی برخورد نمود و از او پرسید: چقدر طول می‌کشد که به مقصد برسیم؟
کودک با نگاه دقیقی که به بار اسب کرد، پاسخ داد: اگر بخواهی این مسیر را آهسته طی کنی، زودتر به مقصد
خواهی رسید، والا اگر تند بروی، تمامی روز را در راه خواهی بود.

مرد اسب سوار با بی‌اعتنائی توأم با سوء ظن به سخن آن کودک گوش داده و اسبش را بجلو راند، اما هنوز چند قدم
دور نشده بود که چند تا از نارگیل‌ها بر روی زمین افتادند.
او بناچار از اسب پیاده شد و آنها را برداشته و بار اسب کرد و برای اینکه این زمان تلف شده را جبران نماید، اسب
را به تند راه رفتن وادار کرد و این بار تعداد زیادتری از نارگیل‌ها بر زمین افتاده و مجدداً اسب را نگهداشته و به
جمع کردن نارگیل‌ها از روی زمین پرداخت و بدین ترتیب آن مرد زمانی به شهر رسید که شب کاملاً فرا رسیده و
بازار بسته شده بود.

نکته

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود!!